



## معرفت شناسی تطبیقی تربیت اسلامی با پایدارگرایی تربیتی و دلالت های آن از منظر ژاک مارتین مذهب گرا

دکتر عباس شکاری<sup>۱</sup>، منا رستگار آرانی<sup>۲</sup>، فاطمه فخری<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی مبانی معرفت شناسی از دیدگاه اسلام و پایدارگرایی تربیتی با تاکید بر دلالت های تربیتی ژاک مارتین می باشد. برای دستیابی به این هدف از روش پژوهش توصیفی-مقایسه ای فرانک هیکلر بهره گرفته شد. مسئله پژوهش حاضر این است که معرفت شناسی پایدارگرایی تربیتی تا چه حد در راستای معرفت شناسی اسلامی قرار دارد و نکات اشتراق و افتراق بین آراء تربیت علوی با مارتین مذهب گرا کدامند. از آنجا که هدف تربیت در دیدگاه پایدارگرایی تربیتی عبارت از کمال دانش آموزان از راه رشد عقلی و پرورش نظام فکری آنان است. در منابع اسلامی نیز توجه به پرورش بعد عقلانی انسان از اهمیت ویژه ای برخوردار است، به واسطه عقل است که انسان رشد می کند و به سمت کمال سیر می نماید؛ لذا پرورش عقلانی در هر دو دیدگاه اهمیت به سزایی دارد. بر اساس نتایج به دست آمده آموزش و پرورش پایدارگرا معلم را محور قرار داده و در روش کار خود از شیوه عقلایی، استدلالی و استقرایی استفاده می کنند و آموزش و پرورش اسلام گرا معلم را محور قرار داده، شکوفایی استعداد های انسان و رسیدن به غایت مطلوب را مد نظر قرار می دهد و از شیوه عملی، استقرایی، عقلایی، تجزیه و تحلیل، قیاسی، مفهوم سازی و مباحثه ای استفاده می کنند.

واژه های کلیدی: تربیت اسلامی، پایدارگرایی تربیتی، معرفت شناسی، ژاک مارتین

### ۱. مقدمه

تعلیم و تربیت از دیرباز و طی قرون و اعصار همواره مورد توجه عالمان، اندیشمندان و فیلسوفان بوده و بدین سان توانسته است افکار و اندیشه های بزرگ را به سوی خویش فراخواند. نظریه پایدارگرایی در تعلیم و تربیت از فلسفه رئالیسم، بهره گیری فراوانی کرده است. از نظر متافیزیکی پایدارگرایان برای جهان و جایگاه انسان در آن خصیصه عقلانی و روحانی قائل شده اند. پایدارگرایان به پیروی از این اصل ارسطویی که انسان موجودی عاقلی است مدرسه را به صورت نهادی اجتماعی که بالاخص برای پرورش عقلانی انسان طرح ریزی شده است در نظر می -

۱. دانشگاه کاشان، استادیار گروه علوم تربیتی، کاشان، ایران. [Shekarey@mail.kashanu.ac.ir](mailto:Shekarey@mail.kashanu.ac.ir) (نویسنده مسئول)

۲. [Mona.rastegar@gmail.com](mailto:Mona.rastegar@gmail.com). دانشگاه کاشان، دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، کاشان، ایران.

۳. [Fakhry9971@yahoo.com](mailto:Fakhry9971@yahoo.com) دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی، کاشان، ایران.



گیرند (گوتک، ترجمه پاک سرشت، ۱۳۹۲). پایدارگرایان ادعا می کنند به دلیل آنکه طبیعت آدمی ثابت است، الگوهای آموزش و پرورش نیز چنین هستند. در درجه نخست، هدف آموزش و پرورش باید رشد عقلانی باشد. اساساً هدف کلی آموزش و پرورش حقیقت است، و چون آنچه حقیقی است، کلی و لایتغیر است، تعلیم و تربیت حقیقی هم باید کلی و ثابت باشد. برنامه درسی باید بر مضامین کلی در حیات انسانی تاکید بگذارد، برنامه باید حاوی موضوعات شناختی مختص پرورش عقلانیت و به غایت منطقی باشد. پایدارگرایان مذهبی به برنامه درس دائم یا جاودانه ای معتقدند که قطع نظر از خاصه های فرهنگ های مختلف برای همه مفیدند. همچنین آنان اعتقاد راسخ دارند که جهان و انسان به مشیت وجود متعالی که خدایی دانا و مهربان است آفریده شده است. گونه مذهبی پایدارگرایی در فلسفه ژاک مارتین بیان شده است. مارتین معلم را به مثابه شخص تربیت یافته، فرهیخته و پخته ای می-دید که از دانشی برخوردار است که شاگردان فاقد آنند اما مایلند که آن را کسب کنند. مارتین برنامه درسی موضوع محور را بر مبنای معارف علمی نظامدار توصیه می کرد. او مدعی بود که آموزش و پرورش ابتدایی باید مهارت‌های بنیادینی را که لازمه مطالعه معارف نظامدارترند، پرورش دهند و دنیای کودک را دنیای تخیل می پنداشت. آموزگاران باید آموزش خود را در جهان تخیلی کودک آغاز کنند و از راه قصه گوئی و روایت‌های داستان‌گونه بچه ها را هدایت کنند تا اهداف و ارزش‌های دنیای عقل را بکاوند. اگر چه محرک آغازین بچه از تخیل سرچشمه می‌گیرد ولی به تدریج عقل خود را برای درک موقعیت های جهان بیرون بکار می برد. مارتین معتقد است که هم آموزش متوسطه و هم عالی باید به مطالعه علوم انسانی، صرف پرورش قضاوت و خردورزی گردد. بویژه آموزش متوسطه باید نوجوانان را به جهان اندیشه و دستاوردهای بزرگ تفکر بشری آشکار سازد. (گوتک، ترجمه پاک سرشت، ۱۳۹۲). در منابع اسلامی نیز توجه به پرورش بعد عقلانی انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به واسطه عقل است که انسان رشد می‌کند و به سمت کمال سیر می نماید؛ لذا پرورش عقلانی و فکری می‌تواند انسان را از لغزشگاه ها مصون دارد؛ بدین منظور، بعد عقلانی را باید تقویت کرد تا آدمی به حقیقت حقه هستی هدایت یابد. در میان استعداد‌های ویژه انسان، پرورش استعداد عقلانی از نظر اسلام در درجه اول اهمیت قرار دارد (سبحانی نژاد و رضایی فریمانی، ۱۳۹۱). تمامی مکاتب الهی و بشری این اصل را پذیرفته اند که در صورتی می توان به جامعه، نظم و ثبات بخشید که حقوق و تکالیفی که برای انسان ها در نظر گرفته شده است به خوبی مورد عمل قرار گیرد که این مهم تنها در سایه تربیت صحیح محقق خواهد شد. تربیت صحیح در هر جامعه ای موجب پرورش انسان هایی می شود که تنها به فکر خود نیستند بلکه به آرمان های والایی فکر می کنند تا جامعه ای مستقل و آزاد و حکومتی عادلانه داشته باشند. "تربیت" به مفهوم عام آن، شامل جنبه های گوناگون جسمانی، روانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و دینی است و هر یک از این ابعاد به لحاظ روانشناختی و تربیتی در زندگی انسان اهمیت فراوان دارد (شریعتمداری، ۱۳۶۸). در اندیشه اسلامی نیز به پرورش



جنبه های عقلانی در سازماندهی به نظام فکری یا ایدئولوژی انسان اهمیت زیادی داده شده است. به گونه ای که برخی اعتقاد دارند که از ویژگی های اصلی تربیت اسلامی تکیه بر عقل و تاکید بر جنبه عقلانی است (شریعتمداری، ۱۳۸۲). با این وجود، بعد عقلانی که به عنوان یک استعداد در وجود آدمی نهاده شده است، به خودی خود شکوفا نمی گردد بلکه برای پیمودن منزل سعادت و راه تکامل نیاز به هدایت و تربیت دارد و اینجاست که تربیت عقلانی به معنی ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر انسان، ضرورت پیدا می کند (ملکی، ۱۳۷۹). معصومین علیه السلام (که از گوهر عصمت و مصونیت از خطا و اشتباه برخوردارند) بهترین و مطمئن ترین الگوهای تربیتی هستند و ارائه دیدگاه ها و کشف و عرضه سیره تربیتی آنان ضرورتی انکارناپذیر برای پویندگان عرضه تعلیم و تربیت اسلامی است و در این میان، ارائه دیدگاه ها و سیره تربیت امام علی (ع)، که خود "اب الائمہ" و سر سلسله جانشینان به حق نبوی و سرآغاز تجلیگاه امامت معصومین (ع) است بر ضرورت این کار می افزاید. هدف پژوهش حاضر، بررسی مبانی معرفت شناسی از دیدگاه اسلام با تاکید بر دلالت های تربیتی امام علی (ع) و پایدارگرایی تربیتی با تاکید بر دلالت های تربیتی ژاک ماریتن می باشد که تلاش می شود به بررسی این مساله بپردازیم که معرفت شناسی پایدارگرایی تربیتی تا چه حد در راستای معرفت شناسی اسلامی قرار دارد و نکات اشتقاق و افتراق بین آراء تربیت علوی با ماریتن مذهب گرا کدامند.

## ۲. مبانی نظری مقاله

مکتب پایدارگرایی از آنجا که به انضباط در نیروهای عقلانی و پرورش فکر بسیار اهمیت می دهد، فرد تربیت شده را کسی می داند که تعقل را راهنمای خود سازد، یعنی برای حل مشکلات از تفکر و تعقل استمداد جوید و به مراتب علوم و مدارج دانش مسلط باشد. پایدارگرایان قوه خرد را قوه انسانی غالب می دانند و معتقدند هر کاری که در مدرسه بکنیم باید قوای ما را ورزش دهد و بدین سان نیرومند سازد (گوتک، ترجمه پاک سرشت، ۱۳۹۲). در متون اسلامی شرط صحت عبادت، داشتن معرفت و شناخت است و ابزار این شناخت عقل است. پس عقل جایگاه بالا و والایی در متون اسلامی دارد. در برخی از منابع ملاک هر امری را عقل دانسته اند. از دیدگاه امام علی (ع) ملاک هر امری عقل است "ملاک الامر العقل" (آمدی، ۱۳۶۶). و از سوی دیگر ملاک ارجمندی و ارزشمندی انسان نیز محسوب می شود. ارزش عقل در اسلام تا حدی است که دینداری هر کس به اندازه خردمندی وی می باشد، عقل شرط تکلیف است و اگر انسان عاقل نباشد طبعاً از نظر اسلام تکلیفی متوجه او نخواهد بود. در اسلام عقل مانند نقل، سخن گوی الهی بوده، تعبد به نقل، بر اساس تعقل است. به فرموده امام علی (ع): "عقل، رسول حق تعالی است." و "عقل، شریعت درونی و شریعت، عقل بیرونی است" (احتمالاً مرزوقی). مارتین نیز معتقد است که هم آموزش متوسطه و هم عالی باید صرف پرورش قضاوت و خردورزی گردد. وی در توصیه تعلیم و تربیتی که به



یکپارچه سازی معرفت انسانی کمک می کند بر این باور بود که فلسفه ای که در باب رابطه انسان با جهان بحث می کند و الهیات که به رابطه با خدا مربوط است، باید در صدر سلسله مراتب معارف دانشگاهی قرار گیرند. فلسفه و الهیات باید به عنوان عامترین و جامعیت بخش ترین معارف زمینه ساز وحدتی باشند که بر گرایشهای پراکنده تخصص چیره گردد (گوتک، ترجمه پاک سرشت، ۱۳۹۲). بنابراین استنباط می شود که مارتین مذهب گرا از نظر به کار گیری قوه عقل و خرد و اهمیت آن در تعلیم و تربیت دیدگاهی نزدیک به دیدگاه اسلامی (علوی) دارد. درباره ارتباط دین و عقلانیت، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد، افرادی چون روسو و کانت بر این باورند که استقلال فرد در رویارویی با دین خاص، مستلزم این است که فرد در انتخاب دین و پذیرش آن تحت تاثیر علم، اجتماع و تجربه قرار نگیرد. عده ای همچون ارسطو، هگل، مک اینتایر و چارلز نیز بر این باورند که رشد عقلانی رشدی سنت-محور است و فرد تنها در محدوده سنت های پیرامونی مانند دین، دست به انتخاب می زند (عطاران، ۱۳۸۰).

### ۳. مرور پیشینه ها

از نظر شهید مطهری (۱۳۶۸)، اسلام یک دین طرفدار عقل است و به نحو شدیدی هم روی این استعداد تکیه دارد که نه فقط با آن مبارزه نکرده، بلکه از او کمک و تایید خواسته و تایید خود را همیشه از عقل می خواهد. به علاوه در تعلیم و تربیت، تعقل یکی از عوامل اساسی است که فرد نه تنها آنچه را که ارائه شده درک می کند، بلکه به ارزیابی آن نیز می پردازد و نسبت به درستی یا نادرستی آن نیز قضاوت می کند. برخی پرورش قوه قضاوت صحیح و قضاوت مبتنی بر دلیل را اساس کار تعلیم و تربیت می دانند (شریعتمداری، ۱۳۶۸). که در این معنا، عقل به عنوان اساس تعلیم و تربیت اهمیت پیدا می کند. اسلام هم پایه خداشناسی را بر تعقل می گذارد و قواعد عقلی را در تعیین احکام و ارزش های اخلاقی مؤثر قلمداد می کند. در منابع اسلامی آمده است که خداوند پیامبران را برای هدایت بشر فرستاده و از آنان خواست تا عقول مردم را مورد خطاب قرار دهند و از راه عقل پیام وحی را دریافت کنند (ایمانی، ۱۳۷۸). در این باره امام علی (ع) می فرمایند: "خداوند سبحان رسولان خود را برانگیخت و پیامبران خود را پیایی به سوی مردم فرستاد تا از آنان بخواهد که عهد فطرت الهی را ادا کند تا گنجینه های عقول آنان را برانگیزانند" (نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، ۱۳۷۸). بنابراین آنچه که لازم است مورد تربیت قرار گیرد بعد عقلانی وجود آدمی است؛ چرا که بدون عقل دریافت وحی، امکان پذیر نیست. به عبارت دیگر اگر فرد بخواهد به کمال انسانی و الهی خود دست یابد، باید تعقل را در خود پرورش دهد. از این نظر تربیت عقلانی ضرورت و اهمیتی اساسی پیدا می کند. در پژوهش حاضر به بررسی مبانی معرفت شناسی از دیدگاه اسلامی (علوی) و پایدارگرایی تربیتی (ژاک ماریتن) پرداخته می شود که تاکنون پژوهشی در این مورد صورت نگرفته است.



#### ۴. روش شناسی مطالعه

در پژوهش حاضر از روش توصیفی-مقایسه‌ای فرانک هیکلر (توصیف، تفسیر، هم‌سنجی، مقایسه) بهره گرفته شد.

#### ۵. یافته‌ها (بحث و بررسی)

یافته‌ها نشان می‌دهد که دیدگاه پایدارگرایی فراگیران را موجوداتی برخوردار از خرد می‌دانند که طالب علم‌اند، همچنین معلم را شخصیت تربیت یافته، فرهیخته و پخته‌ای می‌بینند که از دانشی برخوردار است که شاگردان فاقد آن هستند اما مایلند که آن را به دست آورند (گوتک، ترجمه پاک سرشت، ۱۳۹۲). نظریه تربیتی پایدارگرایی، علوم انسانی را به دلیل آنکه به روی انسان چشم اندازی از خیر، حقیقت و زیبایی می‌گشاید مهم تلقی می‌کند. بنابراین هدف تربیت در دیدگاه پایدارگرایی تربیتی عبارت از کمال دانش‌آموزان از راه رشد عقلی و پرورش نظام فکری آنان است. و از نظر مارتین تدریس خوب باید از آنچه دانش آموز از قبل می‌داند آغاز کند و به سوی چیزهایی که نمی‌داند، هدایت نماید، وی معلم را به عنوان عاملی پویا در فرایند یادگیری می‌دید، و از نظر وی، دانش آموز یعنی موجودی عاقل و آزاد که دارای نفسی روحانی و بدنی مادی است از خردی برخوردار است که طالب علم است. معلم خوب باید فضای یادگیری منظم اما بازی را برقرار سازد که از زیاده رویهای ناشی از هرج و مرج و استبداد به دور باشد، زیرا کلاس درس بی بند و بارانه هر انضباطی را مردود انگاشته و با سهل انگاری نابجا به هوسهای کودکان خدمت خواهند کرد. کلاس درس مستبدانه، به واسطه ترس از تنبیهات بدنی و روانی، فردیت دانش آموز را تا سرحد همرنگی هنجار یافته ای پایین می‌آورد که در آن خودجوشی و خلاقیت به عنوان انحرافات نامطلوب سرکوب می‌شوند. همچنین در منابع اسلامی عقل اهمیت زیادی دارد تا جایی که شرط صحت عبادت، داشتن عقل است و آنچه که مورد خطاب خداوند است، جنبه عقلانی وجود انسان است و پیامبران نیز برای بیداری عقل انسان‌ها برانگیخته شده‌اند و مخاطب اصلی آنها عقل انسان‌هاست. در برخی از روایات از عقل به عنوان رسول باطنی یاد شد است که هدایت تکوینی انسان در گرو آن است و از منابع اصلی شناخت به شمار می‌رود، اگرچه عقل انسان در متون اسلامی به عنوان وسیله هدایت انسان‌ها تلقی شده است، اما بدون تربیت و هموار کردن راه رشد آن، به تکامل نمی‌رسد، لذا در منابع اسلامی بر لزوم تربیت عقلانی تاکید شده است تا جایی که تقویت جنبه عقلانی سبب هدایت به سمت حقیقت هستی می‌شود و عقل جز در بستر علم نمی‌روید و عالم شدن نیز مستلزم این است که فرد مورد تعلیم قرار گیرد. برای پرورش عقل، روش‌هایی در منابع اسلامی ذکر شده است که این روش‌ها توازن عقل را حفظ و راهیابی آن به سمت علم صحیح را میسر می‌سازد. این روش‌ها شامل روش‌هایی مانند روش تزکیه، روش تعلیم حکمت، روش تجربه اندوزی، روش عبرت آموزی و مشورت با خردمندان است. رویکرد عقلانی به تربیت دارای مزایایی است که اشاره شد، بنابراین با مقایسه و بررسی



توصیفی-تحلیلی مکتب پایدارگرایی و دیدگاه اسلامی چنین استنباط می شود که تعقل لازمه تربیت صحیح می باشد و شواهد و قراین نشان می دهند که عقل جایگاه والایی در تعلیم و تربیت (اسلامی و غیر اسلامی) دارد.

## ۶. نتیجه گیری

بر اساس نتایج به دست آمده مکتب پایدارگرایی در کلاس درس، معلم محور است یعنی تمام تصمیم گیری های کلاسی با معلم است. در این مکتب تفاوت های فردی دانش آموزان زیاد ملاحظه نمی شود و دانش آموزانی موفق جلوه می کنند که مطالب بیشتری را در حافظه خود جمع آوری کند و در چارچوب فکری بزرگسالان بیندیشند (سلطان القرائی، ۱۳۸۴). طرح «پایدیا» در پایدارگرایی به آموزش عمومی که همگان باید از آن برخوردار باشند، اشاره می کند. این طرح که با اصول پایدارگرایی سنخیت دارد مدلل می سازد که همه کودکان باید از فرصت تربیتی حقیقتاً برابری برخوردار گردند. این فرصت باید کمیت یکسان، سالهای تحصیلی برابر و کیفیت واحدی از آموزش و پرورش را تامین کند. به عقیده حامیان پایدیا هدف غایی تعلیم و تربیت آن است که اطمینان حاصل شود که انسان ها به افراد تربیت یافته تبدیل شوند (پاک سرشت، ۱۳۷۵). این در حالی است که این مکتب به پرورش قوه خرد و قضاوت اهمیت زیادی می دهد اما آموزش یکسان برای همه را پیشنهاد می دهد، در حالی که افراد با استعداد و ظرفیت های یادگیری مختلف وجود دارند که این سبب تمایز فرآیند تدریس و یادگیری آن ها نیز می شود. از طرفی دیدگاه اسلامی به پرورش و ابراز وجود شاگردان اهمیت می دهد و بر این باورند که فراگیران از طریق تماس با جهان واقعی برای زندگی آینده آماده می شوند، همچنین نقش معلم را ترغیب کننده و راهنمای شاگردان می دانند. آموزش و پرورش اسلام گرا معلم را محور قرار داده اما شکوفایی استعداد های انسان و رسیدن به غایت مطلوب را نیز مد نظر قرار می دهد، در حالی که آموزش و پرورش پایدارگرا صرفاً به حفظیات و دستورالعمل های کلیشه ای از سوی دانش آموزان اهمیت می دهد. آموزش و پرورش پایدارگرا در روش کار خود از شیوه عقلایی، استدلالی و استقرایی استفاده می کند و آموزش و پرورش اسلام گرا نیز از شیوه اسوهای، عملی، استقرایی، عقلایی، تفکر و تجزیه و تحلیل، قیاسی، مفهوم سازی و مباحثه ای استفاده می کند.

## ۷. منابع و ماخذ

- ۱- نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۷۸)، چاپ شانزدهم.
- ۲- آمدی، عبدالواحد بن تمیمی. (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*، شرح جمال الدین خوانساری، کلمات قصار امیرالمومنین (ع)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- ایمانی، محسن. (۱۳۷۸) *تربیت عقلانی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.



- ۴- اوزمن، هوار؛ کراور، ساموئل. (۱۳۷۹) مبانی فلسفی تعلیم و تربیت. مترجمان غلامرضا متقی فر و دیگران زیر نظر غلامعلی سرمد، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۵- باقری، خسرو. (۱۳۹۲) نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. چاپ سی و دوم، جلد اول، تهران: انتشارات مدرسه.
- ۶- جابری مقدم، علی اکبر؛ شکاری، عباس؛ قادری، حیدر. (۱۳۸۸) اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. چاپ اول، تهران: نشر برادری.
- ۷- رستمی، سارا. (۱۳۸۸) اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: نشر فرهیختگان دانشگاه
- ۸- رضای الهی، محمود. (۱۳۷۴) دیباچه ای بر فلسفه آموزش و پرورش. تهران: نشر صندوق.
- ۹- رهنمایی، سیداحمد. (۱۳۸۸) درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۱۰- سبحانی نژاد، مهدی؛ رضایی فریمانی، منیره. (۱۳۹۱). "ماهیت تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)". پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۱۹، شماره ۱۳، ۳۳-۹
- ۱۱- سلطان القرایی، خلیل. (۱۳۸۴) فلسفه تعلیم و تربیت و آرای تربیتی. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز
- ۱۲- شریعتمداری، علی. (۱۳۸۲) تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۳- شریعتمداری، علی (۱۳۶۴). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: موسسات انتشارات امیرکبیر
- ۱۴- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۷۷) فلسفه آموزش و پرورش. تهران: نشر امیرکبیر.
- ۱۵- عطاران، محمد. (۱۳۸۰). "دو رویکرد در تربیت دینی". مجموعه مقالات همایش آسیب شناسی تربیت دینی.
- ۱۶- گوتک، جرال.ال. (۱۳۹۲) مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. ترجمه محمدجعفر پاک سرشت، چاپ سیزدهم، تهران: نشر سمت.
- ۱۷- مرزوقی، رحمت اله؛ صفری، یحیی. (۱۳۸۶) "مبانی و روش های تربیت عقلانی از منظر متون اسلامی". دوفصلنامه تربیت اسلامی، سال ۳، شماره ۵، ۱۳۴-۱۱۵
- ۱۸- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸) تعلیم و تربیت در اسلام، قم: انتشارات صدرا.
- ۱۹- ملکی، حسن. (۱۳۷۹). تربیت عقلانی در نهج البلاغه و دلالت های آموزشی آن، کتاب چهارم، مرکز مطالعات تربیت اسلامی.
- ۲۰- مهرمحمدی، محمود؛ امینی، محمد. (۱۳۸۰) "طراحی الگوی مطلوب تربیت هنری در دوره ابتدایی". فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)، شماره ۳۹، ۲۴۶-۲۱۹.
- ۲۱- مهدی زاده، امیرحسین؛ شرفی، محمود. (۱۳۸۶) اصول و فلسفه آموزش و پرورش. اسلامشهر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامشهر.
- نر، جورج فردریک. (۱۳۷۷) آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش. ترجمه فریدون بازرگان دیلمقانی. تهران: نشر



سمت. ۲۲-

- ۲۳) Bagger. M.C.(2008).Critical notice ecumenicalism and perennialism revisited. Religious Studies, 27, 399-411. ۲۴)McCormick. W.(2013).Jacques Maritain on political theology. European journal of Political Theory. 12(2),175194.
- ۲۵)Craiu. A.(2010).Painter of Ruins and Prophets of the Past. European journal of Political Theory. 9(1), 112-128 .